

[وجوب مقدمه 1](#_Toc24215550)

[واجب معلق 1](#_Toc24215551)

[شروط سه گانه ترشح وجوب ذی المقدمه به مقدمه 1](#_Toc24215552)

[معنای محصَّل نداشتن شرط اول و دوم 2](#_Toc24215553)

[حل اشکال انخرام قاعده تبعیت وجوب مقدمه از ذی المقدمه 2](#_Toc24215554)

[مراحل سه گانه حل مشکل انخرام قاعده تبعیت وجوب مقدمه از ذی المقدمه 3](#_Toc24215555)

[مرحله اول: حل مشکل توسط شرط متاخر 3](#_Toc24215556)

[مرحله دوم: حل مشکل انخرام قاعده تبعیت بر مبنای انکار وجوب شرعی مقدمه 4](#_Toc24215557)

[مرحله سوم: حل مشکل قاعده تبعیت توسط وجوب تهیئی 4](#_Toc24215558)

[مراد از تبعیت بین وجوب مقدمه و ذی المقدمه 4](#_Toc24215559)

**موضوع**: حل مشکل عدم تعبیت مقدمه از ذی المقدمه /واجب معلق /مقدمه وا جب

**خلاصه مباحث گذشته:**

مرحوم آخوند فرموده بود: اگر مقدمه بخواهد وجوب پیدا کند باید علاوه بر تبعیتی که با ذی المقدمه دارد، اولا مقدمه وجوبیه نباشد و ثانیا ترشح وجوب از ذی المقدمه به مقدمه ممکن باشد و ثالثا وجوب مقدمه را به صورت اتفاقی اخذ نکرده باشد. استاد فرمود: دو قسم بیشتر وجود ندارد:اول: مقدمات وجودیه مقدمات وجوبیه نباشند. دوم: مقدمات وجودیه به گونه ای نباشند که علی سبیل الاتفاق باشند.به عبارت دیگر، ما می­توانیم بگوییم که اولی هم لازم نیست. زیرا بحث ما در مورد مقدمات وجودیه است. لذا مقدماتی که خلاف آن را در خطاب نیاورده است محل بحث است و الا از محل بحث خارج است.

# وجوب مقدمه

## واجب معلق

### شروط سه گانه ترشح وجوب ذی المقدمه به مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است[[1]](#footnote-1): زمانی بحث ترشح وجوب از ذی المقدمه به مقدمه مطرح می­شود که مقدمه سه شرط داشته باشد: اولا: مقدمه وجودیه، مقدمه وجوبیه نباشد. زیرا اگر مقدمه وجودیه ای که مقدمه وجوبیه هم باشد. ثانیا: ترشح وجوب به مقدمه ممکن باشد. ثالثا: مقدمه وجودیه را شارع در واجب به صورت اتفاقی اخذ نکرده باشد. زیرا خود شارع گفته است که واجب التحصیل نیست. اگر بگوید باید تحصیل بشود، خلف است.

#### معنای محصَّل نداشتن شرط اول و دوم

مرحوم آخوند فرمود: مناط وجوب فعلی مقدمه وجوب فعلی ذی المقدمه است. بعد فرمود سه استثناء وجود دارد. استتثنای سوم را می­فهمیم( مثلا وجوب نماز با ساتر علی سبیل الاتفاق) ذی المقدمه وجوب فعلی دارد ولی مقدمه واجب نیست؛ چون خودش علی سبیل الاتفاق گفته است. اما صورت اول و دوم را نتوانستیم آن را شفاف کنیم. وقتی چیزی را موضوع قرار می­دهد، شرط وجوب است. چون ثبوت شئ لشئ فرع ثبوت مثبت له است. وقتی گفت المسافر یقصر معنایش این است که ان سافرت فقصر. اول باید مسافرت محقق بشود تا قصر محقق بشود. وقتی که موضوع است پس باید محقق باشد تا قیدش ثابت بشود. این اختلاف صیاغت است که گاهی گفته است ان سافرت فقصر و در یکی گفته است المسافر یقصر. مناط فعلیت وجوب مقدمه و فعلیت وجوب ذی المقدمه است. مگر این که مقدمه وجودیه مقدمه وجوبیه باشد. تا مسافر نشود قصر فعلی نمی­شود.

در مستثنی منه فرض کرده است که وجوب ذی المقدمه فعلی است. بعد گفته است که وجوب ذی المقدمه اگر فعلی باشد وجوب مقدمه هم فعلی است مگر این که مقدمه شرط وجوب باشد. معنایش این است که فعلیت وجوب ذی المقدمه مشروط به شرطی است که همان مقدمه است. اگر مقدمه وجوبیه وجود پیدا کرده باشد که استثناء معنا ندارد. استنثاء مرحوم آخوند را نمی­فهمیم. اگر مقدمه محقق نشده است که وجوب فعلی نشده است که ظاهر استثناء نیز همین مطلب است. اگر مقدمه وجودیه حاصل شده است که دیگر واجب است و استثناء معنا ندارد. مثلا زوال شمس مقدمه وجوبیه است. مناط وجوب مقدمه وجودیه این است که مقدمه وجوب فعلی داشته باشد مگر این که مقدمه وجودیه مقدمه وجوبیه باشد. اگر محقق نشده است که وجوبی درکار نیست و اگر محقق شده است که باز هم استثناء معنا ندارد و وجوب ندارد.

نتیجه: اگر این گونه می­فرمود: مناط وجوب مقدمه این است که ذی المقدمه وجوب فعلی داشته باشد الا این که مقدمه وجودیه علی سبیل الاتفاق اخذ شود، خوب بود. اما دو استثنای بعدی را نمی­توانیم بفهمیم.

### حل اشکال انخرام قاعده تبعیت وجوب مقدمه از ذی المقدمه

مقدّماتى در شريعت داريم به نام «مقدّمات مفوّته». يعنى مقدّماتى كه اگر پيش از وقت واجب انجام نشوند، باعث مى‏شوند كه در زمان واجب قدرت بر امتثال واجب پيدا نكنيم و ترك آنها پيش از وقت، سبب تفويت واجب در وقت شود. مثل قطع مسافت قبل از موسم حج يا غسل جنابت قبل از طلوع فجر در ماه رمضان، مشكل اين است كه، از طرفى اجماعى است كه اين‏گونه مقدّمات پيش از وقت ذى المقدّمه واجب هستند و بايد اتيان شوند. و از طرفى طبق قانون تبعيّت، تا ذى المقدّمه واجب نباشد، مقدّمه واجب نمى‏شود؛ چون وجوب مقدّمه معلول وجوب ذى المقدّمه است.

حال آيا مقدّمات مزبور مادّه نقضى بر اين قانون عقلى است؟ چه بايد كرد كه هم وجوب اين‏ها پيش از وقت محفوظ بماند كه اجماعى است و از طرفی قاعده تبعیت نیز مشکل دار نباشد.

#### مراحل سه گانه حل مشکل انخرام قاعده تبعیت وجوب مقدمه از ذی المقدمه

##### مرحله اول: حل مشکل توسط شرط متاخر

مرحوم آخوند مى‏فرمايد :در اين‏گونه موارد چه مانعى دارد كه بگوئيم كه قبل از موسم حج، قبل از طلوع فجر و ...،وجوب حج و صوم و ... فعلى است؛ ولی مشروط به شرط متأخر است كه دخول وقت و مجى‏ء موسم باشد و آنهم لحاظش در امر مولى دخيل است. پس مولى از هم‏ اكنون وجود شرط در ظرف خودش فرض كرده و امر صادر مى‏كند. در نتيجه هم‏اكنون وجوب حج و صوم و ... فعلى است و در نتيجه مقدّمات مفوّته آنها نيز فعلى مى‏شوند و هيچ محذورى پيش نمى‏آيد و قانون تبعيّت هم لطمه نمى‏خورد و منخرم نمى‏شود.

پس این که صاحب فصول واجب معلق را ابدع کرد و گفت ثمره آن حل مشکل مذکور است، درست نیست زیرا حل مشکل موقوف بر واجب معلق نیست.

حال این سوال مطرح می­شود که از کجا کشف کنیم که وجوب مقدمه فعلی است؟

مرحوم آخوند جواب داده است که اگر شارع وجوب مقدمات را قبل از زمان ذی المقدمه واجب کرده بود به صورت انّی کشف می­شود که ذی المقدمه نیز واجب است. آنچه نیاز داریم این است که وجوب ذی المقدمه الان فعلی باشد و راه کشف آن نیز وجوب مقدمات است. پس هر چند که واجب معلق را انکار کنیم ولی می­توانیم بگوییم که مقدمه وجوب داشته باشد.

نتیجه: ما برای حل انخرام قاعده تبعیت وجوب مقدمه از ذی المقدمه، به واجب معلق نیازی نداریم. وجوب مشروط باشد باز هم مشکل حل شده است.

##### مرحله دوم: حل مشکل انخرام قاعده تبعیت بر مبنای انکار وجوب شرعی مقدمه

در ادامه مرحوم آخوند فرموده است:[[2]](#footnote-2) اگر ما وجوب مقدمه را کشف نکنیم مثلا خطابی در میان نباشد ( مثل حفظ آب قبل از وقت خطاب ندارد) باز هم مشکل قابل حل است. حل آن نیز این است که با حکم عقل مشکل حل می­شود. عقل می­گوید: چون بعدا قدرت بر امتثال وجود ندارد از الان لازم است که آب حفظ شود.

##### مرحله سوم: حل مشکل قاعده تبعیت توسط وجوب تهیئی

اگر فرض این باشد که مقدمه وجوب دارد و از طرفی ذی المقدمه وجوب فعلی ندارد. مثلا امساک از الان وجوب ندارد و از طلوع فجر وجوب دارد ولی غسل از الان وجوب دارد. در این جا وجوب نفسی تهیئی است. مانند محقق اردبیلی که وجوب علم را نفسی نمی­داند ولی تهیئی می­می­داند. پس باز هم قاعده تبعیت منخرم نشده است.

خلاصه: در جایی که وجوب ذی المقدمه باشد منشا می­شود که مقدمه هم وجوب پیدا کند. پس زمان وجوب متحد است و زمان امتثال مختلف شده است. یک راه حل دیگر این است که از راه حکم عقل مشکل را برطرف کنیم. در این راه حل اصلا وجوب شرعی وجود ندارد ولی وجوب عقلی دارد. راه حل دیگر این است که وجوب مقدمی ندارد بلکه وجوب تهیئی دارد. پس در امثله ای که مشکل انخرام قاعده را دارد، قاعده تبعیت مشکلی ندارد. یا هر دو وجوب هستند و یا هر دو وجوب نیستند و یا وجوب ذی المقدمه نیست و وجوب مقدمه هست ولی وجوب تهیئی دارد. پس در مواردی که باید مقدمه قبل از زمان ذی المقدمه امتثال شود، مشکل حل است.

#### مراد از تبعیت بین وجوب مقدمه و ذی المقدمه

مرحوم آخوند بحث تبعیت را قاعده ای غیر قابل تخصیص فرض کرده است. وجهش این است که وجوب غیری مترشح از وجوب ذی المقدمه است و معلول ذی المقدمه است و پر واضح است که تخلف معنا ندارد.

به نظر ما این قاعده به این معنایی که مرحوم آخوند فرموده است، درست نیست. تبعیتِ وجوب مقدمی از وجوب ذی المقدمه درست است و وجوب غیری للغیر است اما این که اول غیر، وجوبش فعلی بشود، بعد مقدمه فعلی بشود، درست نیست. شارع برای این که صوم از طهارت شروع شود، اول غسل را واجب می­کند و بعد صوم را واجب می­کند. پس تبعیت به این معنا که اگر ذی المقدمه نبود، مقدمه هم نبود، درست است، اما این که در فعلیت هم تبعیت داشته باشند، درست نیست. این که مرحوم آخوند این قاعده را یک قاعده واضحه قرار داده است و بر آن احکامی مترتب کرده است، درست نیست. اصل تبعیت درست است اما این همه احکام و خصوصیت داشته باشد، درست نیست. ظاهرا حاج شیخ اصفهانی[[3]](#footnote-3) این مطلب را متذکر شده است. مرحوم شیخنا الاستاد با این که وجوب شرعی مقدمه را انکار می­کرد، ولی می­فرمود: اگر یک جایی مقدمه وجوب داشته باشد باید قبل از ذی المقدمه وجوب داشته باشد.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص104.](http://lib.eshia.ir/27004/1/104/مطاوی) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص104.](http://lib.eshia.ir/27004/1/104/عرفت) [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج2، ص91.](http://lib.eshia.ir/27897/2/91/فاتضح) [↑](#footnote-ref-3)